

کودکان

== کتاب مقدس ==



مجموعہ "کودکانِ کتابِ مقدس"

درس دوم : داستان سموئیل

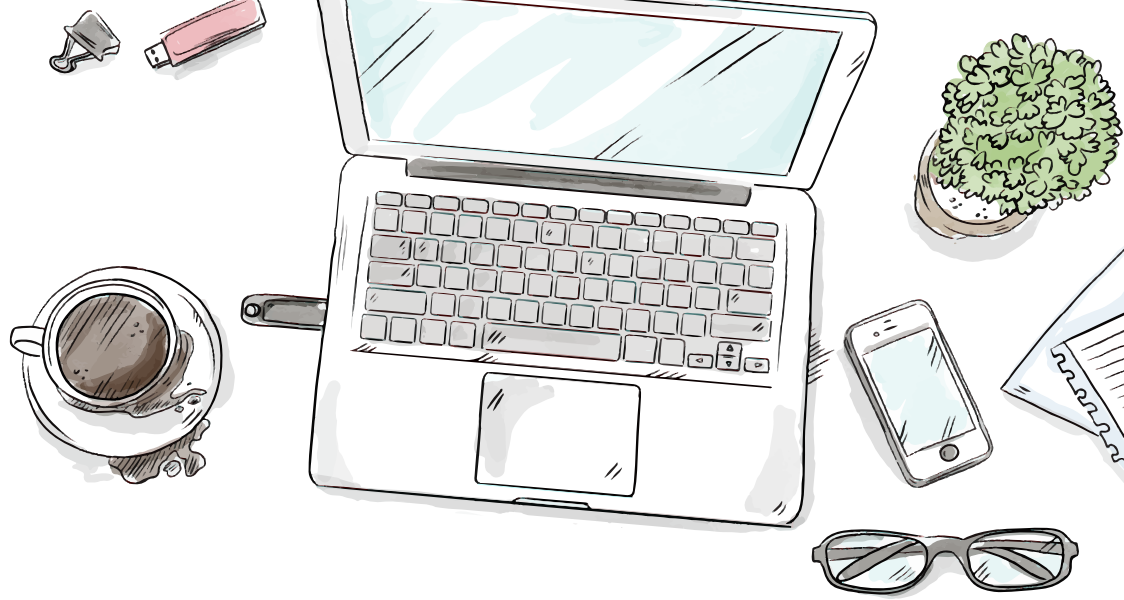
گروہ سنہ: ۴-۸ سال

هدف: گرچہ کوچیکم اما خدا با من صحبت مے کنه
و منم مے تونم با او صحبت کنم.

آیات کلیدی: اول سموئیل ۳: ۱-۲۱



سازمان ایلام ، کلیه حقوق محفوظ مے باشد ۲۰۲۱ ©



سخنے با مربے:

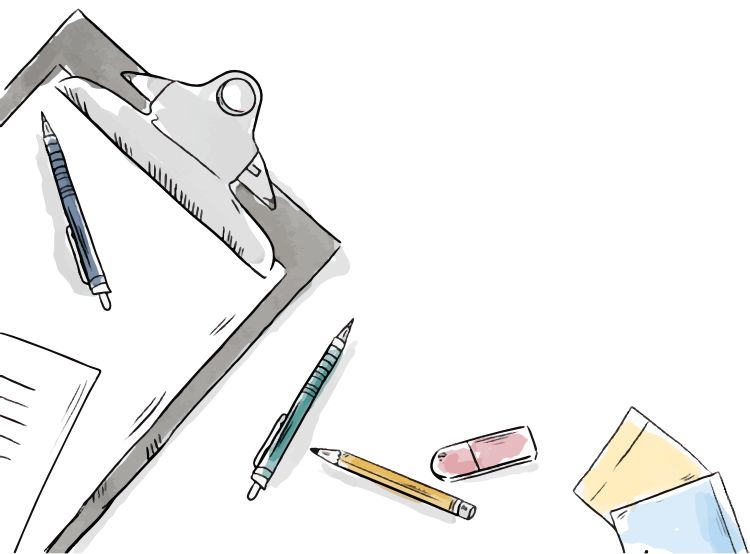
ممکن است کودکان از بعضی وقایح و مفاهیم پیچیده ای که در کتاب مقدس وجود دارد، در ذهن خود تصاویر ترسناکی بسازند. به طور مثال در داستان سموئیل اشاره به زمانی می‌شود که یک کودک در اتاق خود در تاریکی شب است و هنگام خوابیدن صدایی را می‌شنود که در آخر داستان مشخص می‌شود که آن صدا، صدای خداست. کودکان در این گروه سنی از خوابیدن و شنیدن صدا در شب هراس دارند. با توجه به این موضوع ممکن است تصویر ترسناکی از این داستان و صدای خدا در ذهن کودک شکل بگیرد.

بنابراین با این آگاهی معلم باید به شکلی این قسمت را بیان کند که یک تعلیم شیرین و عاری از هرگونه هراس، برای کودک ترسیم شود. همچنین برای این گروه سنی، تمرکز این داستان روی مفهوم دوستی و برقرار کردن رابطه صمیمی با خداست.

در این کمک آموزشی، به طور ویژه به زندگی سموئیل اشاره شده است. اشاره به قسمتی از زندگی سموئیل که خدا با او صحبت کرد و سموئیل نیز توانست با خدا صحبت کند.

کودک در این جلسه می‌آموزد که مفهوم سخن گفتن به مفهوم گفت و شنود برمی‌گردد و این گفت و شنود، یک رابطه دوستی را شکل می‌دهد. این رابطه دوستی فقط بین ما و دوستانمان نیست، بلکه ما می‌توانیم در یک رابطه دوستی با خدا قرار بگیریم که در این رابطه، هم خدا می‌تواند با ما سخن بگوید و ما صدای او را بشنویم، و هم ما می‌توانیم با خدا سخن گفته و او نیز صدای ما را بشنود.

کودک با یادگیری داستان سموئیل می‌آموزد که خدا به سن نگاه نمی‌کند بلکه هر کدام از ما، در هر سنی که باشیم، می‌توانیم در یک رابطه دوستی با خدا قرار بگیریم و با او صحبت کنیم. کودک با درک این موضوع، در شناخت هویت خود در خداوند رشد می‌کند.



آمادگی برای ورود به داستان:

ایده اول:

عروسک سموئیل

زمان: ۵ تا ۷ دقیقه

هدف: خردسال با این کار عملی، خود از همان ابتدا وارد داستان می‌شود و با شخصیت سموئیل ارتباط برقرار می‌کند.

اگر جلسات شما مجازی برگزار می‌شود، لطفاً از قبل فایل الگوها را برای والدین ارسال کنید و از آن‌ها بخواهید تصاویر را پرینت بگیرند و وسایل مورد نیاز را برای خردسال خود در این جلسه آماده کنند.

وسایل مورد نیاز: الگوی عروسک سموئیل، چسب مایع، قیچی، رول دستمال توالیت. الگوی داده شده را برش داده و بر روی رول دستمال توالیت چسبانید. دست‌ها و وسایل دیگر را بر طبق سلیقه خود به آن اضافه کنید. (الگوها در انتهای درس قرار دارند)



ایده دوم:

تلفن بازی

زمان: ۵ تا ۷ دقیقه

هدف: بچه‌ها از طریق این بازی، می‌تواند توانایی شنیداری خود را بالا ببرند.

توضیحات:

از همه بچه‌ها بخواهید به صورت دایره دور هم بنشینند.

یکی از بچه‌ها را به عنوان نفر اول انتخاب کرده و به آن‌ها توضیح دهید نفر اول یک کلمه در گوش نفر دوم خواهد گفت و نفر دوم هر چیزی که شنیده را به نفر بعدی بگوید.

این بازی ادامه پیدا می‌کند تا نفر آخر کلمه‌ای را که شنیده با صدای بلند به همه اعلام می‌کند.

همه بچه‌ها باید بگویند چه چیزی شنیده‌اند و آیا کلمه‌ای بوده که نفر اول انتخاب کرده است یا نه؟ چند بار این بازی را با بچه‌ها تکرار کنید. در آخر به آن‌ها توضیح دهید که خیلی مهم است ما بتوانیم خیلی خوب گوش بدهیم و حرف‌های دیگران را به

خوبی بشنویم.

یک پسر بچه کوچکی هم در کتاب مقدس است که خدا با او صحبت کرد و او هم توانست صدای خدا را بشنود و با او صحبت کند. آیا کسی آن را به یاد می‌آورد؟

وارد شدن به دنیای کتاب مقدس:

ایده اول:

داستان سموئیل

زمان: ۷ دقیقه

هدف: بچه‌ها از طریق شنیدن و دیدن، داستان سموئیل را می‌آموزند.

توضیحات:

با استفاده از ویدیو "مگول"، داستان سموئیل را برای بچه‌ها پخش کنید.

داستان سموئیل

ایده دوم:

داستان سموئیل همراه با ماکت

زمان: ۱۰ دقیقه

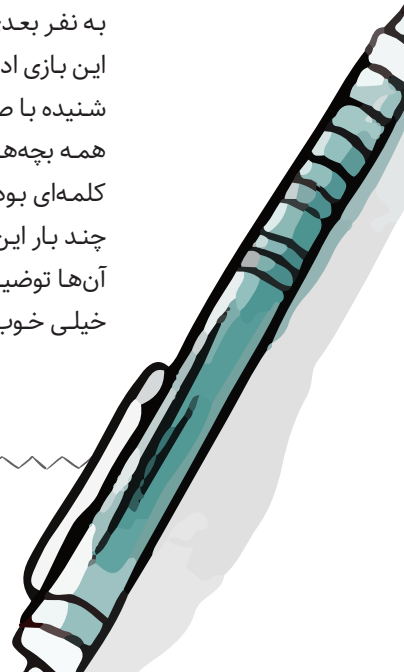
هدف: بچه‌ها از طریق دیدن و شنیدن داستان سموئیل، خود قسمتی از این داستان می‌شوند و آن را می‌آموزند.

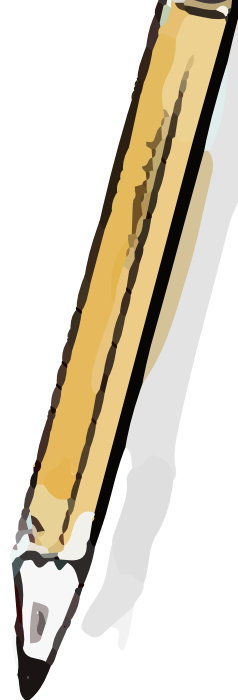
توضیحات:

ممکن است در کانون شادی شما خردسالانی باشند که داستان داوود را از قبل شنیده باشند، برای اینکه از تکرار جلوگیری شود شما می‌توانید با خلاقیت خود و با کمک خود بچه‌ها داستان داوود را به تصویر بکشید.

از قبل یک ماکت کوچک با استفاده از یک جعبه کفش درست کنید.

عروسک سموئیل را به همراه پدرش یسا، سموئیل، برادرانش، گوسفندان و ... را درست کنید و آن‌ها را در جعبه کفشی که از قبل آماده کرده‌اید قرار دهید. ماکت را به کلاس بیاورید و به بچه‌ها فضای زندگی سموئیل را نشان دهید. در طی داستان اشیای مختلف مانند عیسی، تخت خواب و ... را به ماکت اضافه کنید و اگر از بچه‌ها کسی این داستان را به یاد دارد، اجازه دهید داستان سموئیل را به صورت





می‌زند و می‌خواهد با او صحبت کند، پس به سموئیل گفت خداوند تو را صدا می‌کند. به اتاق خود برو و اگر دوباره تو را صدا زد با او صحبت کن. سموئیل با هیجان به اتاق خود بازگشت و خدا او را برای بار چهارم صدا زد. این بار سموئیل در همان مکان جواب خدا را داد و شروع به صحبت کردن با خدا کرد.

در آن شب خداوند به سموئیل چیزهای مهمی را گفت و سموئیل نیز با خداوند مانند دوست خود صحبت کرد.

سموئیل متوجه شد که خدا می‌خواهد با او ارتباط داشته باشد و سموئیل هم تصمیم گرفته بود که با خداوند در یک ارتباط شخصی قرار بگیرد.

در راستای همین انتخاب شخصی، او یک رهبر بزرگ برای قوم خود شد و توانست کارهای بزرگی برای خداوند و مردم انجام دهد.

بعد از اینکه داستان به پایان رسید از بچه‌ها بخواهید در طی هفته آینده با استفاده از یک جعبه کفش و سموئیل که در ابتدای جلسه درست کردند، آن‌ها نیز ماکت خود را تکمیل کنند

نتیجه‌گیری:

به بچه‌ها توضیح دهید همانطور که در داستان هم شنیدیم، خدا با سموئیل صحبت کرد و سموئیل هم توانست با خدا مانند دوست خودش صحبت کند. امروز همه ما در هر سنی که باشیم، چه کوچک باشیم چه بزرگ، می‌توانیم با خدا به راحتی صحبت کنیم و او همیشه آماده است تا صدای ما را بشنود و او هم با ما صحبت کند. وقتی ما دعا می‌کنیم و با خدا صحبت می‌کنیم، خدا صدای تک‌تک ما را می‌شناسد و می‌داند که چه کسی با او صحبت می‌کند. او خدایی است که همیشه برای صحبت کردن با ما و شنیدن صدای ما وقت دارد.

خلاصه برای بقیه تعریف کند و شما همراه با او داستان را با عروسک‌ها تکمیل کنید.

می‌توانید فایل الگوی شخصیت‌ها را دانلود کرده، پرینت بگیرید و در این ماکت از آن‌ها استفاده کنید (لطفاً تصویر ماکت را به بچه‌ها نشان ندهید تا با هیجان و کنجکاوی بیشتر شخصیت‌ها ساخته شوند)

خلاصه داستان سموئیل:

سموئیل پسر کوچکی بود که در معبد (جایی مانند کلیسا که مردم در زمان قدیم در آن مکان خدا را می‌پرستیدند)، در کنار مردی به اسم عیلی زندگی می‌کرد.

سموئیل عیلی را دوست داشت و به او در کارهای معبد کمک می‌کرد.

یک شب سموئیل به اتاق خود رفت تا بخوابد، اما زمان زیادی نگذشته بود که صدایی شنید که اسم سموئیل را صدا می‌زند.

سموئیل فکر کرد عیلی او را صدا می‌زند، پس پیش عیلی رفت و از او پرسید که چه کاری دارد تا سموئیل انجام دهد.

عیلی به سموئیل گفت که او، سموئیل را صدا نکرده است.

سموئیل به اتاق خود برگشت و تصمیم گرفت بخوابد، اما همان صدا دوباره اسم او را صدا زد. سموئیل دوباره فکر که عیلی او را صدا می‌زند، پس برای بار دوم پیش عیلی رفت و از او پرسید که چه کاری دارد تا سموئیل انجام دهد.

عیلی برای بار دوم به سموئیل گفت که او، سموئیل را صدا نکرده است.

سموئیل به اتاق خود برگشت و تصمیم گرفت که بخوابد، اما همان صدا برای بار سوم اسم او را صدا زد.

سموئیل برای بار سوم فکر که عیلی او را صدا می‌زند، پس پیش عیلی رفت و از او پرسید که چه کاری دارد تا سموئیل انجام دهد.

عیلی برای بار سوم به سموئیل گفت که او، سموئیل را صدا نکرده است.

اما عیلی متوجه شد که خداوند سموئیل را صدا



کارگاه اجرایی:

از بچه‌ها بخواهید لحظاتی چشمان خود را ببندند و هر کدام از آن‌ها یک جمله در دل خود به خدا بگویند (اگر بعضی از بچه‌ها زمان بیشتری برای صحبت با خدا احتیاج دارند، به آن‌ها فرصت و زمان بیشتری دهید)

بعد از اینکه همه جملات خود را به خدا گفتند، از بچه‌ها بخواهید بایستند و دست‌های یکدیگر را بگیرند. به آن‌ها بگویید بعد از شمارش شما، همه باهم با صدای بلند از خدایی که پدر آن‌هاست و همیشه آماده صحبت با آن‌هاست، تشکر کنند. از بچه‌ها بخواهید اسم و سن خود را در اول این جمله بگذارند و تک‌تک آن‌ها این جمله را اعلام کنند:

من ... (اسم کودک) کوچیکم و ... (سن)، اما همیشه می‌تونم با خدا حرف بزنم!

مثال: من رکسانا، کوچیکم و ۵ سالمه، اما همیشه می‌تونم با خدا حرف بزنم!

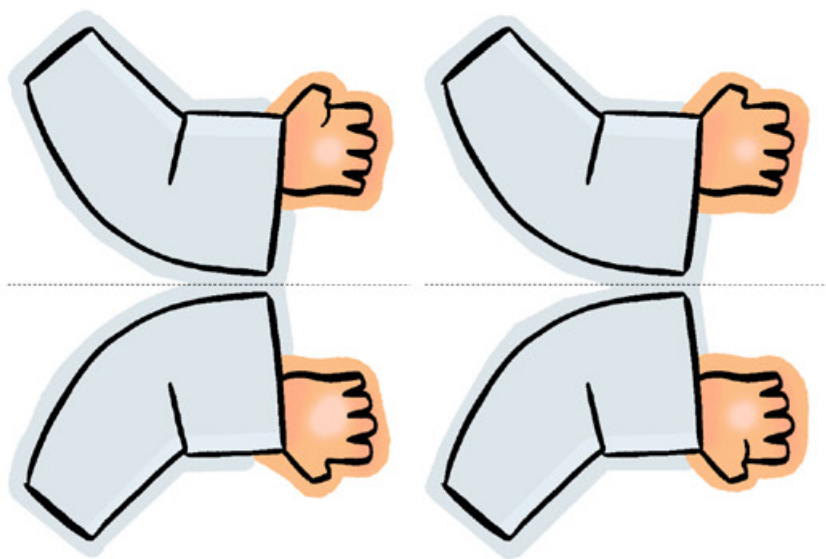
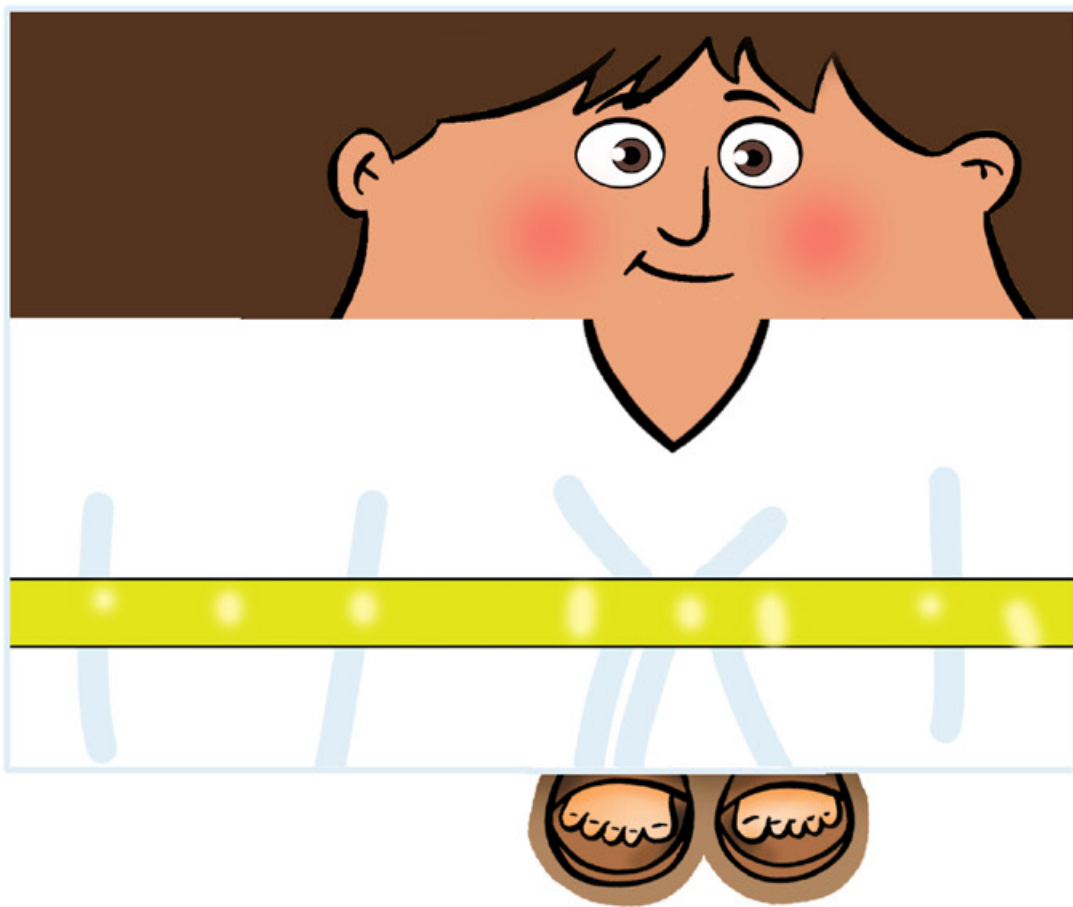
من امیرعلی کوچیکم کوچیکم و ۷ سالمه، اما همیشه می‌تونم با خدا حرف بزنم!

در انتها سرود زیر را برای بچه‌ها پخش کنید و جلسه خود را به اتمام برسانید.

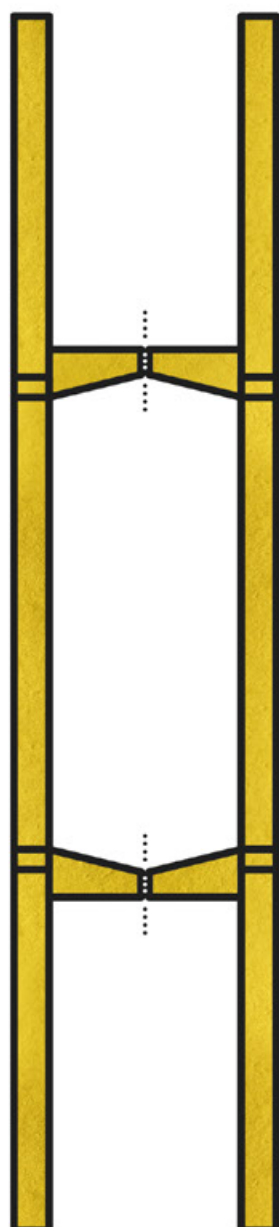
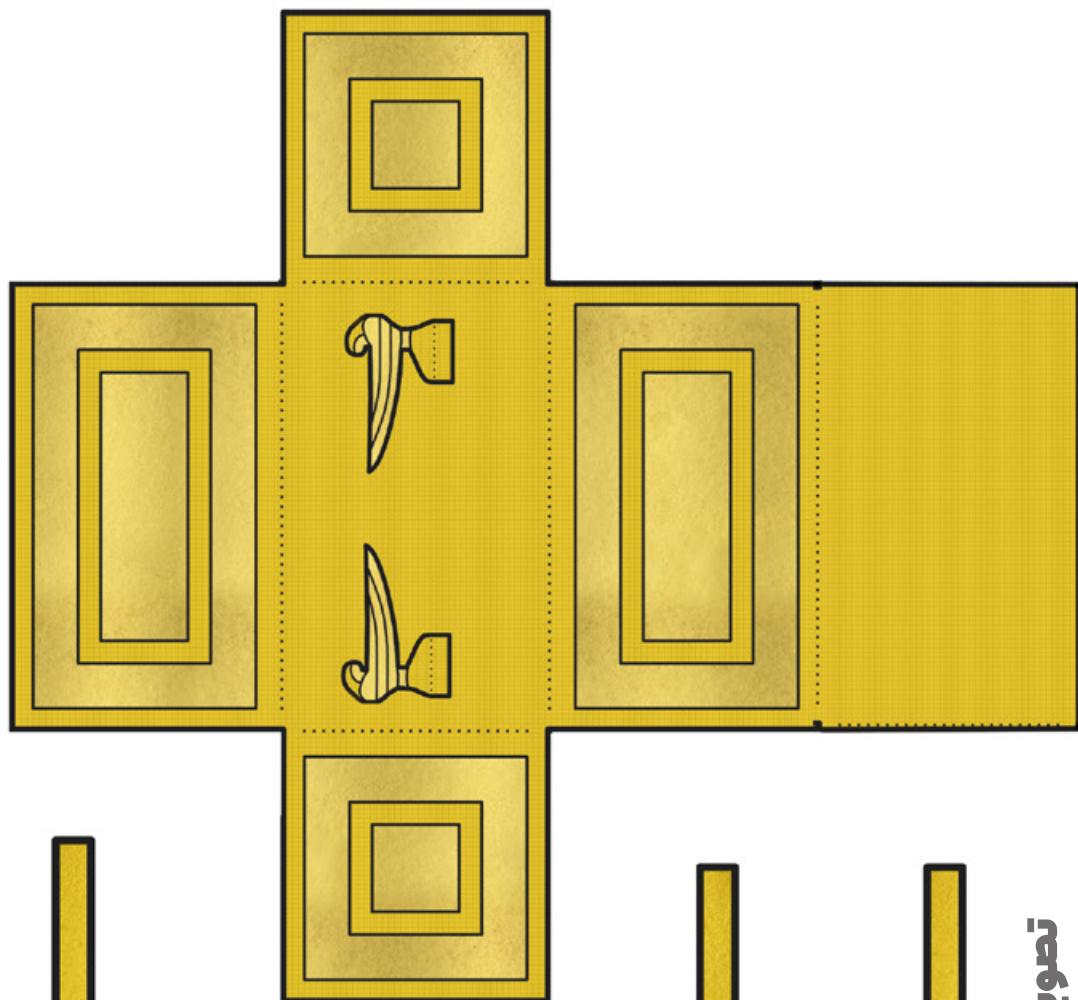
• سرود پرستشی "او را می‌پرستم"











تصویر شماره ۳

